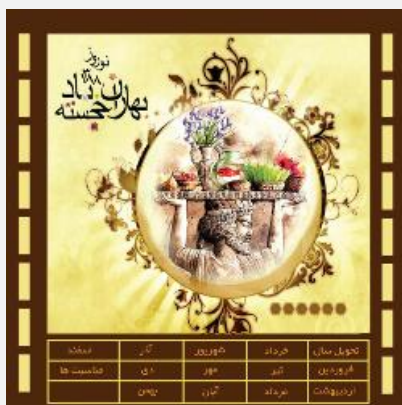


**یکشنبه 6 دی 10 محرم 27 دسامبر**

أعمال و عبادات شب عاشورا (دهم ماه محرم) ...

**أعمال و عبادات شب عاشورا (دهم ماه محرم)**

شب عاشورا از شب های بزرگ سال و شبی است که پیشوای شیعیان و سید شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، با نماز، تهجد و راز و نیاز با پروردگارش آن را زنده نگه داشت، در حالی که دشمنان اهل بیت (ع) وی را از هر سو احاطه کرده و قصد کشتن او و یاران وفادارش و به اسارت بردن بازماندگان و اهل بیتش را داشتند.

بسیار شایسته است که شیعیان و محبان آن حضرت، به وی اقتدا کرده و این شب عظیم و عزیز را زنده نگه دارند و با عبادات، ادعیه، مناجات و سوگواری سالار شهیدان و سایر شهدای کربلا، به استقبال روز عاشورا بشتابند.

در این جا به برخی از اعمال عبادی این شب شریف اشاره می کنیم:

1- احیای شب عاشورا و بیدار ماندن تا طلوع فجر.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کسی شب عاشورا را زنده نگه دارد، مثل کسی است که به اندازه عبادت تمام فرشتگان، خدا را عبادت کرده باشد و پاداش وی، معادل پاداش هفتاد سال عبادت است.

2- خواندن چهار رکعت نماز در آخر شب.

بدین گونه که در هر رکعت، پس از قرائت حمد، ده بار آیه الکرسی، ده بار سوره قل هو الله احد، ده بار سوره قل اعوذ برب الفلق، ده بار سوره قل اعوذ برب التاس و پس از پایان نماز نیز صد بار سوره قل هو الله احد را قرائت کند.

3- خواندن یکصد رکعت نماز [ به پنجاه سلام].

در هر رکعت، پس از قرائت حمد، سه بار سوره قل هو الله احد را بخواند و پس از پایان نماز، هفتاد بار این تسبیحات را تکرار کند: سبحان الله، والحمد لله، و لا اله الا الله و الله اکبر، و لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم.

4- خواندن چهار رکعت نماز.

در هر رکعت نماز، پس از قرائت حمد، پنجاه بار سوره قل هو الله احد خوانده شود. پس از آن به ذکر خدا، صلوات بر رسول خدا (ص) و لعنت بر دشمنان اهل بیت (ع) مشغول گردد و آن ها را فراوان زمزمه کند.

5- خواندن ده رکعت نماز.

در هر رکعت، پس از قرائت حمد، یکصد بار سوره قل هو الله احد را بخواند.

6- خواندن یکصد رکعت نماز.

در هر رکعت، پس از قرائت حمد، سه بار سوره قل هو الله احد را قرائت کند و پس از پایان نماز، این تسبیحات را صد بار: سبحان الله و الحمد لله، و لا اله الا الله، و الله اکبر، و لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم و یکصد بار استغفار و یکصد بار صلوات بر محمد و آل محمد (ص) تکرار نماید.

7- خواندن دعای: اللهم إني أسئلك يا الله يا رحمن، يا الله يا رحمن ...

8- بیتوته کردن در حرم مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در کربلا و زیارت نمودن قبر شریف وی.

آن هایی که توفیق زیارت آن حضرت را از نزدیک ندارند، در هر جایی که هستند وی را از راه دور زیارت کنند و بر او و شهیدان بلند مرتبه کربلا صلوات فرستاده و بر قاتلان نشان لعن و نفرین کنند.

9- صائم نشدن.

روزه گرفتن در این روز جایز نیست و لازم است کسی که از مبطلات روزه در این روز، اجتناب کرده است، به نوشیدن مختصری از آب، روزه اش را باز کند.

**آغاز غزوه ذات الرقاع در سال پنجم هجری قمری**

به پیامبر اکرم (ص) خبر داده شد که جنگجویان دو تیره "بنی محارب" و "بنی ثعلبه" از قبیله غطفان در سرزمین نجد [ از بخش های مرکزی جزیره العرب ] با گردآوری نیرو و تهیه تجهیزات و امکانات لازم، آماده یورش به سوی مدینه منوره و جنگ با مسلمانان شده اند. پیامبر (ص) برای دفع تهاجم دشمن و غافل گیر کردن آنان، در دهم محرم سال پنجم قمری [ چهل و هفتمین ماه هجرت ] در رأس چهارصد [ به روایتی هفتصد و یا هشتصد ] تن از سربازان اسلام، از مدینه بیرون رفت و عازم منطقه نجد گردید. اما همین که به این منطقه وارد شد، دشمنان به هراس افتاده و به کوه ها و بلندی های اطراف پراکنده گردیدند. ولیکن از دور مراقب مسلمانان بوده تا آنان را در فرصتی مناسب، در کمین خویش گرفتار سازند. پیامبر (ص) که از قصد آنان آگاه بود، جانب احتیاط را مراعات می کرد و

بدین جهت برای نخستین بار، آن حضرت و مسلمانان همراه وی، نمازشان را به صورت "نماز خوف" به جا آوردند. سپاه اسلام، پس از چند روز رزمایش نظامی و به دست آوردن مقداری غنایم جنگی، بدون روبرو شدن با جنگجویان دشمن، به سوی مدینه برگشت. اما در بین راه، که در درّه ای گسترده توقف کرده و شب را در آن جا به استراحت پرداختند، مورد هجوم یکی از نیروهای دشمن واقع شدند. وی که سپاه اسلام را تعقیب می کرد، از تاریکی شب استفاده کرد و به سوی نگهبانان اسلام، تیرهای چندی رها کرد و یکی از آن ها به نام "عبّاد بن بشر" نگهبان عبادت پیشه اسلام مورد اصابت قرار داد و او را از پای درآورد.

وقوع سریه قرطاء در سال ششم هجری قمری قرطاء، نام تیره ای از قبیله "بني بکر بن کلاب" بود، که نسبت به مسلمانان مدینه و شخص پیامبر(ص)، سر ستیز داشته و همیشه با آنان دشمنی می کردند و مخالفان و دشمنان اسلام را تقویت و همراهی می نمودند. پیامبر اکرم(ص) برای خاموش کردن فتنه قرطاء و زمین گیر کردن گردنکشان این طایفه، محمد بن مسلمه را در رأس سی رزمنده مسلمان به سوی آنان اعزام کرد.

محمد بن مسلمه، در دهم محرم سال ششم قمری از مدینه خارج گردید و رفت و بازگشت او به مدت نوزده روز ادامه یافت و یک روز مانده به آخر محرم به مدینه بازگشت نمود.

وی، به فرمان رسول خدا(ص)، شب ها را راه می پیمود و روزها را در استتار کامل به استراحت می پرداخت. تا این که پس از چند روز راه پیمایی به گروهی از قبیله "مُحارب" رسید که آنان نیز در دشمنی با اسلام، همدست مخالفان بودند. سپاهیان اسلام، آنان را غافلگیر کرده و با کشتن یک تن از آنان، شتران و گوسفندان آنان را به غنیمت گرفتند و سایر افراد دشمن تاب مقاومت نیاورده و ناچار راه گریز در پیش گرفتند.

محمد بن مسلمه، پس از آن به منطقه ای رسید که مشرف به طایفه بني بکر بود. وی، در آن مکان بر آنان شبیخون زد و با کشتن ده نفر از افراد بني بکر، شتران و گوسفندان زیادی از آنان به غنیمت گرفت و از این راه، دشمن را از جهت نیروی انسانی و اقتصادی در فشار قرار داد و توان تهاجم های بعدی را از آنان سلب نمود.

محمد بن مسلمه در این نبرد، در حدود یکصد و پنجاه شتر و سه هزار رأس بز و گوسفند از بني بکر و بني محارب به غنیمت گرفت و همه آن ها را به مدینه منتقل کرد.

دور اندیشی و تدبیر امام حسین(ع) در شب عاشورا در سال 61 هجری قمری

امام حسین(ع) پس از اطمینان از عدم حمله دشمن در عصر روز نهم محرم و در شب عاشورا، فرصتی یافت تا با یارانش به گفت و گو پرداخته و امور سپاه را تنظیم و به عبادت و تهجد خود بپردازد و برای روز بعد، خود را از هر جهت آماده نماید. در این جا وقایع شب عاشورا را فهرست وار به استحضار می رسانیم:

1- خطبه امام حسین(ع).

امام حسین(ع) در شامگاه روز تاسوعا، یارانش را در خیمه ای بزرگ گرد آورد و برای آنان خطبه ای خواند و در بخشی از آن فرمود: اما بعد، من یارانی باوفاتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم و خویشاوندانی نیکوکارتر و به حقیقت نزدیکتر از خویشاوندان خود نمی شناسم، خدا شما را از جهت من، پاداش نیک عطا فرماید. یاران من! بدانید یک امشب، بیشتر در این جهان به سر نخواهیم کرد و فردا از دست این مردم، جان به سلامت نخواهیم برد. من به شما اجازه می دهم که همگی از این سرزمین بیرون روید و من بیعت خود را از شما برداشتم و اینک شب تاریک است و شما می توانید با کمال آسودگی خود را از چنگال دشمن برهانید.

پس از سخنان آن حضرت، حاضران در مجلس از جمله برادران، فرزندان، برادر زادگان و عموزادگان آن حضرت، یکی پس از دیگری داد سخن داده و عرض کردند که ما هرگز چنین نخواهیم کرد و تا زنده ایم، تو را تا آخرین قطره خونمان یاری خواهیم نمود.

پیش از همه، برادرش حضرت عباس(ع) سخن گفت و وفاداری و پایداری خویش را ابراز داشت. سپس سایر یاران امام حسین(ع) به وی اقتدا کرده و هر کدام به نوعی وفاداری خویش را اعلام کردند و از تنها گذاشتن آن حضرت و رفتن از سرزمین کربلا امتناع نمودند.

2- سفارش امام حسین(ع) به خواهرش زینب کبری(س).

حضرت زینب(س) هنگامی که متوجه حالات امام حسین(ع) گردید و یقین حاصل کرد که وی از دنیا قطع امید کرد و آماده لقای الهی شده است، بسیار نگران و سراسیمه شد و به نزد آن حضرت رفت و عرض کرد: ای کاش مرگ مرا در می یافت و به زندگی ام پایان می داد و من شاهد چنین روزی نبودم. امروز گویا مادرم فاطمه زهرا(س)، پدرم حضرت علی(ع) و برادرم حسن مجتبی(ع) از دنیا رفته اند. ای یادگار گذشتگان و سرپرست بازماندگان! تو چرا؟

امام حسین(ع) خواهرش را دلداري داد و به وی فرمود: خواهرم! متوجه باش که شیطان، حلم و بردباریت را از تو نرباید. خواهرم! آرام باش و از خدا بپرهیز و به اراده او خوشنود باش و بدان که اهل زمین می میرند و آسمانی ها باقی نمی مانند و غیر خدا هر چه هست، از بین می رود و جز ذات پاک باری تعالی که موجودات را آفرید و مردم را مبعوث می سازد و یکتای بی همتا است، هیچ چیز دیگری برقرار نخواهد ماند. جدّم رسول خدا(ص)، پدرم، مادرم و برادرم که از من بهتر بودند، همگی رفتند. بر من و هر مسلمانی لازم است از آنان پیروی کرده و به راه آنان برویم.

آن حضرت، با بیانی شیوا و آرام بخش، خواهرش را تسلی داد و بر قوه صبر و حلمش افزود و برای همیشه وی را آرام نمود.

3- تنظیم امور خیمه گاه.

امام حسین(ع) که تجربیات ارزنده ای از نبرد با دشمنان داشت، با همان یاران اندک خود، تمام جوانب جنگ و دفاع بایسته را ملحوظ

می داشت و از پیش برای آن تصمیمات لازم را اتخاذ می کرد.

آن حضرت، برای دفاع بهتر و روان تر در برابر تهاجم احتمالی دشمن، دستور داد که خیمه ها را به یکدیگر نزدیک کرده و با طناب های محکم آن ها را به هم پیوند دهند و در اطراف خیمه ها خندقی حفر کرده و آن ها را از خار و هیزم انباشته کنند، تا در هنگام هجوم دشمن از سه طرف آنان را با خندق هایی شعله ور مواجه کرده و از یک طرف با نیروهای تدافعی خویش در برابر دشمن ایستادگی کنند.

این تصمیم و تدبیر آن حضرت، بسیار اثر بخش و کارساز بود. زیرا بارها دسته هایی از اراذل و گروه های جنایت پیشه سپاه عمر بن سعد، قصد هجوم به خیمه گاه امام حسین(ع) را نمودند ولی با انبوهی از آتش مواجه شده و از ادامه کار خود منصرف گردیدند.

4- عبادت و تهجد. شب عاشورا به عنوان آخرین شب زندگانی امام حسین(ع) و یاران وفادارش، برای آنان بسیار با ارزش و مغتنم بود. آنان از این شب، بیشترین و بهترین بهره های معنوی و عرفانی را تحصیل کرده و تا بامدادان روز عاشورا به راز و نیاز، مناجات، نماز و قرائت قرآن پرداختند و روح و روان خود را با تهجد و شب زنده داری صیقل داده و برای شهادت در راه خدا آماده کردند.

واقعه جانگداز کربلا (دهم محرم) در سال 61 هجری قمری

این روز، پُر آوازه ترین روز سال و خاطره آمیزترین روز تاریخ بشری است. در این روز بزرگ، پای مردی، فداکاری و سربلندی گروه اندکی از انسان های به خدا پیوسته در برابر خیل عظیم و کثیر دشمنان و جنایت پیشه گان به نمایش درآمد. این روز، روز فداکاری امام حسین(ع) و یاران باوفای وی می باشد و تا ابد به آنان تعلق خواهد داشت. در این روز، حوادث و رویدادهای مهمی در سرزمین کربلا به وقوع پیوست که برای همیشه در تاریخ انسان ها ثبت و درج خواهد ماند.

در این جا به طور گذرا به اهم رویدادهای عاشورای سال 61 قمری اشاره می کنیم:

1- تنظیم صفوف سپاه.

امام حسین(ع) پس از نماز صبح عاشورا، سپاه کم تعداد خود را که متشکل از 32 تن سواره و 40 تن پیاده بودند، به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول را در بخش میمنه به فرماندهی زهیر بن قین، دسته دوم را در بخش میسره به فرماندهی حبیب بن مظاهر و دسته سوم را در قلب سپاه به فرماندهی خود آن حضرت تقسیم بندی کرد. هم چنین آن حضرت، بیرق سپاه را به برادرش حضرت عباس بن علی(ع) واگذار و نیروهای خود را در جلو و خیمه گاه را در پشت سر آنان قرار داد.

عمر بن سعد نیز فرماندهی میمنه سپاه خود را به عمرو بن حجاج، فرماندهی میسره را به شمر بن ذی الجوشن، فرماندهی سواره نظام را به عروه بن قیس و فرماندهی پیاده نظام را به شبت بن ربیع واگذاشت و بیرق سپاه را به دست غلامش "درید" سپرد.

2- موعظه های امام حسین(ع).

امام حسین(ع) پیش از آغاز نبرد، بارها برای اندرز سپاه کفر پیشه دشمن، پیش قدم شد و با بیان خطبه هایی روشن گر، آنان را به حفظ آرامش و عدم خون ریزی دعوت کرد و از جنگ و مبارزه بازداشت.

آن حضرت، علاوه بر خود، برخی از یاران خویش را نیز در این روز به نزد سپاهیان عمر بن سعد فرستاد و از طریق آنان، این سپاه گمراه را به هدایت و حقانیت دعوت کرد.

3- ندامت حرّ بن یزید.

حرّ بن یزید که از فرماندهان سپاه عمر بن سعد و از دلاوران و دلیر مردان عرب بود، روز عاشورا پیش از آغاز درگیری رسمی، پشیمان شد و به سپاه امام حسین(ع) پیوست. با این که وی نخستین کسی بود که راه را بر امام حسین(ع) بسته و با اجبار و اکراه، آن حضرت را به سوی سرزمین کربلا گسیل داشت، با این حال، مورد پذیرش اباعبدالله الحسین(ع) قرار گرفت و آن حضرت، توبه اش را پذیرفت و او را در جمع یارانش قرار داد.

پیوستن حرّ بن یزید و تعدادی از سپاهیان عمر بن سعد به سپاهیان امام حسین(ع)، دودلی و سردرگمی بسیاری از کفر پیشه گان را به دنبال داشت و حالت عجیبی در میان سپاهیان عمر بن سعد به وجود آورد.

4- هجوم سراسری دشمن.

عمر بن سعد که تاب پیوستن افراد دیگری به سپاه امام حسین(ع) را نداشت، لشکریان خود را به جنبش درآورد و دستور حمله عمومی داد. در اندک مدتی دو سپاه به هم نزدیک شده و نبرد سختی آغاز گردید.

هر یک از یاران امام حسین(ع) با ده ها تن از سپاه دشمن به نبرد نابرابر و تن به تن پرداخت و هیچ سستی و تردیدی در وی ملاحظه نمی شد و این روحیه بالای رزمی و اعتقادی قوی، برای دشمن سنگین و کمرشکن بود.

در این نبرد، حدود پنجاه تن از یاران امام حسین(ع) و صدها تن از سپاه دشمن کشته شدند.

5- نبرد انفرادی.

دشمن که از نبرد سراسری و تهاجمی، نتیجه ای نگرفته بود، به تدریج به سوی نبرد انفرادی روی آورد.

زیرا اگرچه سپاه عمر بن سعد جملگی برای نبرد با امام حسین(ع) آمده بودند، ولی در میان آنان مردان زیادی بودند که جنگ با فرزندان رسول خدا(ص) را روا نداشته و به اکراه و اجبار در سپاه عمر بن سعد قرار گرفته بودند. بدین جهت در کار نبرد عمومی و هجوم سراسری تعلل می ورزیدند و عمر بن سعد را در رسیدن به مقاصد پلیدش ناکام گذشته بودند.

در این مرحله نیز تعدادی از سپاهیان امام حسین(ع) کشته شدند.

## 6- نماز ظهر عاشورا.

ابو ثمامه صیداوی در گرما گرم نبرد، به امام حسین(ع) نزدیک شد و به آن حضرت عرض کرد، که وقت زوال فرا رسیده است. امام حسین(ع) که به نماز اهمیت ویژه ای می داد، دستور داد جنگ را متوقف کرده و همگی به نماز پردازند. دشمنان که به نماز اهمیت چندانی نمی دادند، آن حضرت و یارانش را در حال نماز نیز مورد هجوم ناجوانمردانه قرار داده و با پرتاب تیر آنان را نشانه می گرفتند.

عبدالله حنفي که خود را سپر امام حسین(ع) قرار داده بود، متحمل سیزده تیر دشمن شد و عاقبت در حال دفاع از وجود شریف امام حسین(ع) به لقاء الله پیوست.

## 7- شهادت سایر یاران امام حسین(ع).

پس از نماز ظهر عاشورا، باقیمانده یاران امام حسین(ع) نیز یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. شیر مردانی چون زهیر بن قین، نافع بن هلال، مسلم بن عوسجه، حبیب بن مظاهر، حرّ بن یزید، بریر بن خضیر و دلیر مردانی از بنی هاشم چون علی اکبر(ع)، عباس بن علی(ع)، قاسم بن حسن(ع)، عبدالله بن مسلم(ع) و افرادی دیگر در یاری مولا و سرورشان امام حسین(ع) جنگیدند و سرانجام به دست دشمنان اهل بیت(ع)، مظلومانه به شهادت رسیدند.

## 8- مبارزه و شهادت امام حسین(ع).

امام حسین(ع) پس از آن که همه یاران خود را از دست داد، بانوان عصمت پناه را در خیمه ای گرد آورد و آنان را تسلی و دلداری داد و به صبر و شکیبایی سفارش نمود و با قلبی شکسته از آنان خداحافظی کرد. آن حضرت، فرزندش امام زین العابدین(ع) را که در بیماری سختی به سر می برد، جانشین خویش قرار داد و با او نیز وداع کرد و آماده نبرد با دشمن گردید. امام حسین(ع) به تنهایی، ساعتی با نیروهای گسترده دشمن مبارزه کرد و تعداد زیادی از آنان را کشته و زخمی نمود.

خود آن حضرت نیز زخم های فراوانی در میدان مبارزه متحمل شد و بر اثر آن ها، از زین اسبش "ذوالجناح" به زمین افتاد و مورد هجوم وحشیانه دشمن قرار گرفت.

سرانجام شمر بن ذی الجوشن، با قساوت و بی رحمی تمام به بدن خونین و کم رمق آن حضرت نزدیک شد و سر مبارکش را از قفا جدا کرد و بدین طریق، روح شریفش را به اعلی علیین به پرواز در آورد.

## جنایات سپاه عمر بن سعد، در عصر عاشورا در سال 61 هجری قمری

پس از شهادت جانشوز اباعبدالله الحسین(ع) و هفتاد و دو تن از یاران فداکار وی در صبح و عصر عاشورا، دشمنان اهل بیت(ع) جنایات های دیگری در عصر عاشورا مرتکب گردیدند، که به طور اختصار به آن ها اشاره می کنیم:

### 1- غارت خیمه های حسینی.

سپاهیان عمر بن سعد، به ویژه جنایت کاران گروه نابکار و سفاک شمر بن ذی الجوشن، پس از شهادت امام حسین(ع) به خیمه های آن حضرت یورش برده و آن ها را غارت کردند و چهارپایان، لباس ها، صندوق ها، اسلحه ها، خوارکی ها و هر چه یافتند، تمامی آن ها را به یغما بردند. آنان، حتی حریم اهل بیت(ع) را مراعات نکرده و زیور آلات و البسه بانوان را به اجبار از آنان ستاندند و به تاراج بردند. به طوری که زنان اهل بیت(ع) ناچار شده و به عمر بن سعد پنهانده گردیده و از شدت جنایت کاری شمر و گروه نابکارش شکایت کردند. با این که عمر بن سعد به ظاهر دستور داد که از غارت خیمه ها دست بردارند، با این حال منافقان و جنایتکاران به پست فطرتی و فرومایه گی خویش ادامه دادند.

### 2- آتش زدن خیمه ها.

پس از غارت، اقدام به آتش زدن خیمه ها نمودند. در اندک مدتی تمامی خیمه ها هر چه در آن ها بود، در آتش ظلم یزیدیان سوخت و نابود شد و حتی جان بازماندگان و یتیمان کاروان حسینی، با خطر آتش سوزی مواجه گردید و بدین منظور، زینب کبری(س) به آنان دستور داد که از خیمه ها بیرون رفته و به اطراف پنهانده شوند. تا از این طریق از آتش سوزان خیمه ها در امان بمانند.

### 3- اسب دوانی بر پیکر شهیدان.

عمر بن سعد، بنا به دستور کتبی عبیدالله بن زیاد، پس از شهادت امام حسین(ع) و یاران او در کربلا، تصمیم به اسب دوانی بر پیکرهای خونین شهیدان گرفت.

ده نفر از منافقان و دشمنان اهل بیت(ع) برای این کار پیش قدم شده و پس از نعل بندی اسبان خویش بر پیکرهای شهیدان کربلا، اسب تاختند و پیکرهای پر از جراحت و بی سر شهیدان را در هم شکستند.

### 4- ارسال سر مقدس امام حسین(ع) به کوفه.

عمر بن سعد، برای خوش خدمتی بیشتر به دستگاه ظالمانه اموی، دستور داد سر بریده امام حسین(ع) را در عصر عاشورا با شتاب و سرعت به کوفه ببرند و عبیدالله را از پایان یافتن غائله کربلا با خبر گردانند. مأموریت رساندن سر مقدس امام حسین(ع) بر عهده خولی بن یزید اصبحی گذاشته شد. ولی وی شب هنگام به کوفه رسید و در آن وقت، دارالاماره بسته بود. به همین جهت شب را در خانه خویش گذرانید و سر امام حسین(ع) را از ترس همسرش در تنوری پنهان کرد و در بامداد روز یازدهم به دارالاماره رفت و سر آن حضرت را تحویل عبیدالله بن زیاد داد.

## قتل عبیدالله بن زیاد به دست سپاهیان مختار ثقفی در سال 67 هجری قمری

عبیدالله بن زیاد، پس از شش سال از شهادت مظلومانه امام حسین(ع) و یاران فداکارش در سرزمین کربلا، در نبردی میان سپاهیان

مختار بن ابی عبیده ثقفی و سپاهیان عبدالملک بن مروان، در حوالی موصل در تاریخ دهم محرم (عاشورا) سال 67 قمری به هلاکت رسید.

مختار بن ابی عبیده ثقفی، که در ربیع الاول سال 66 قمری با همراهی و همیاری شیعیان عراق بر ضد دستگاه خلافت اموی قیام کرده و به پیروزی رسید و کوفه و بسیاری از شهرهای عراق را در سیطره خود گرفت، در صدد انتقام از قاتلان و جنایتکاران واقعه کربلا بر آمد و بسیاری از آنان را دستگیر و به وضع فجیعی قصاص کرد و قلوب شیعیان را تسلی داد. اما علاوه بر مخالفان و دشمنان داخلی، با دو جبهه خارجی نیز رویارویی داشت. از یک سو سپاهیان عبدالله بن زبیر از جنوب عراق، وی را تحت فشار قرار داده و هر از گاهی با تهاجم سنگین خود روبرو می کردند و از سوی دیگر، نیروهای جنایت پیشه اموی، از شمال و غرب عراق، وی را مورد تهدید قرار می دادند. عبیدالله بن زیاد که نقش اساسی و کلیدی در ماجرای کربلا و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) و یارانش داشت، در آن زمان در شام به سر می برد و از سوی عبدالملک بن مروان (پنجمین خلیفه اموی) مأموریت یافت که در رأس سپاهی سنگین، به استعداد هشتاد هزار نفر به سوی عراق هجوم آورد و قیام و حکومت انقلابی مختار را نابود نماید.

مختار برای دفع تهاجم سپاهیان شامی، ابراهیم بن مالک اشتر نخعی را در رأس سی هزار مرد جنگی و انقلابی به شمال عراق اعزام داشت.

دو سپاه، در ساحل "نهر خاذر" در چهار فرسنگی شهر موصل به هم رسیده و نبرد خونینی به راه انداختند. تعداد زیادی از طرفین کشته و تعداد فراوانی زخمی و از کار افتاده شدند. ولی تلفات و خسارت های سپاهیان شام، بسیار سنگین و کمر شکن بود.

از لشکریان عبیدالله، تعداد بی شماری در میدان جنگ به هلاکت رسیده و تعداد زیاد دیگری در هنگام عقب نشینی از رود خاذر غرق شدند. تعداد کشته های شامیان را بیش از هفتاد هزار تن بر شمرده اند.

مهم ترین رویداد این نبرد، کشته شدن عبیدالله بن زیاد (فرمانده کل سپاه اموی) و تعدادی از فرماندهان و افسران عالی رتبه شامی بود. عبیدالله، به دست ابراهیم بن مالک اشتر، با یک ضربت شمشیر، از کمر به دو نیم شد و به سزای کردار ننگین خود رسید.

پس از پیروزی سپاهیان عراق، ابراهیم بن مالک دستور داد که تعداد هفتاد و دو سر از بدن کشته شدگان شامی (به تعداد سرهای شهیدان کربلا) جدا کرده و برای مختار در کوفه ارسال نمایند و از این بابت، دل های داغدار اهل بیت (ع) و شیعیان و محبان آن ها را شاد گردانند.

وفات بشر حافی در سال 226 هجری قمری

ابونصر، بشر بن حارث بن عبدالرحمن بن عطاء بن هلال، معروف به "بشر حافی"، از بزرگان و پیشوایان صوفیه در عصر خود بود. وی در سال 150 یا 152 قمری در روستای "مابرسام" از توابع مرو [ واقع در کشور فعلی ترکمنستان ] دیده به جهان گشود و به خاطر استعداد درخشان و نوآوری های علمی و اداری، جذب دستگاه خلافت عباسی گردید و بدین سبب از مرو به عراق مهاجرت کرد و در دارالخلافه بغداد ساکن گردید.

وی به خاطر برخورداری از موقعیت درباری و حکومتی، یک زندگی اشرافی همانند عباسیان برای خود پدید آورد و از این راه به بطالت، هرزه گی و خوش گذرانی مبتلا شد.

وی پس از مدتی اشتغال به لهو و لعب، روزی بر اثر اتفاق با امام موسی کاظم (ع) آشنا گردید و از نصایح و مواعظ وی برخوردار شد و از آن زمان، تغییر حالتی در او پدید آمد و یکباره تمامی کارهای ناپسند و غیر مشروع خود را کنار نهاد و در طریق زهد، عزلت و تصوف قرار گرفت و در این راه از امتحان سختی، سربلند بیرون آمد. وی به ریاضت، تزکیه نفس و خودسازی پرداخت و در میان عارفان و صوفیان عصر خود، یگانه شد و به یکی از پیشوایان تصوف و طریقت تبدیل گردید. سرانجام در روز دهم محرم (عاشورا) سال 226 قمری در 74 و یا 76 سالگی در بغداد بدرود حیات گفت و در همان جا به خاک سپرده شد.

درگذشت &#171;؛ ابواسحاق إسقرائینی» استاد علم کلام، اصول و فقه در سال 417 هجری قمری

&#171;؛ ابواسحاق إسقرائینی» استاد علم کلام، اصول و فقه در سال 417 هجری قمری درگذشت. او از اهالی خراسان بود و در نیشابور به تدریس و نشر علوم می پرداخت. از اسقرائینی اثری به نام &#171;؛ نورالعین فی شهدالحسین» باقیست.

درگذشت &#171;؛ شیخ ابوالحسین خرقانی» در سال 425 هجری قمری

&#171;؛ شیخ ابوالحسین خرقانی» از عرفای بزرگ ایران در سال 425 هجری قمری بدرود حیات گفت. از شیخ خرقانی کرامات بسیاری نقل شده و سخنان حکیمانه وی همواره حدیث هرانجمنی بوده است. معروفترین اثر این عارف وارسته &#171;؛ نورالعلم» نام دارد که به سبکی بسیار ساده و روان نگاشته شده است.

تصرف شهر بغداد پایتخت خلافت عباسی توسط سپاه مغول به فرماندهی &#171;؛ هولاکو» در سال 656 هجری قمری سپاه مغول به فرماندهی &#171;؛ هولاکو» شهر بغداد پایتخت خلافت عباسی را در سال 656 هجری قمری تصرف کرد. در این حمله منابع غنی علمی بغداد که در آن روزگار مرکز مهم علمی جهان اسلام و محل نگهداری کتابهای منحصر بفرد علوم مختلف بود از بین رفت. سپاه مغول کتابخانه های معتبر این شهر را به رود دجله انداختند و گویند تا چند روز آب رود دجله جوهری رنگ بود.

بمب گذاری در روضه منوره حرم حضرت امام رضا (ع) در سال 1415 هجری قمری

دراوج عزاداري سرورو سالار شهيدان حضرت امام حسين(ع) منافقان كوردل بمبي به وزن 5 كيلوگرم در روضه منوره حرم حضرت امام رضا(ع) در سال 1415 هجري قمري منفجر كردند. با انفجار اين بمب به بخشهايي از حرم امام رضا(ع) آسيب وارد شد و همچنين شماري از هموطنان عزيزمان شهيد يا مجروح شدند.

حمله نظاميان روسيه يا شوروي سابق به افغانستان در سال 1358 هجري شمسي نظاميان روسيه يا شوروي سابق در سال 1358 هجري شمسي برخلاف همه قوانين بين المللي به کشور اسلامي افغانستان حمله كردند. در اين حمله برق آسایش از 25000 نظامي ارتش سرخ مجهزه سلاحهاي پيشرفته و جديدترين نوع بمب افكنهاي قوي ازمين و هوا به افغانستان سرازير شدند. تجاوز نظامي شوروي به افغانستان به منظور سرنگون شدن حفيظ الله امين دست نشانده سابق شوروي و روي كار آوردن بېرك كارمل مطابق برنامه مشترك برنامه سه جناح حاكم و مسلط بر شوروي سابق يعني حزب كمونيست، ارتش سرخ و سازمان جاسوسي "كا، گ، ب" صورت گرفت. اين سه مجموعه بطور هماهنگ بيش از يك دهه بر آب و خاك اين کشور اسلامي تاختند و به كشتار ويرانگري پرداختند اما سرانجام در سال 1370 شمسي در سايه مبارزات مستمر انقلابيون مسلمان افغانستان نيروهاي اين کشور بتدريج و در چند مرحله از افغانستان خارج شدند و خاك اين کشور از سربازان روسي پاك شد.

تولد يوهان كپلر منجم و رياضيدان آلماني در سال 571 ميلادي يوهان كپلر منجم و رياضيدان آلماني در سال 571 ميلادي در اين کشور متولد شد. او ابتدا در مدرسه پروتستانها و سپس در دانشگاه توبينگن تحصيل كرد و بعد در كراتس اتريش به تدريس پرداخت. كپلر بعدها با تيكوبراهه منجم معروف آشنا شد و به دعوت او به پراگ رفت و مدتي با او تحقيقات علمي مشتركی انجام داد كه حاصل آن تهيه جدول رُدلفي بود. كپلر واضع قوانيني است كه در نجوم و رياضيات بنام او به #171 قوانين كپلر» معروف شد. او همچنين قواعد عادي تعيين فاصله كانونهاي عدسيهاي ساده و درشت نمایی ميكروسكوپ را عرضه كرد. كپلر در زمينه هندسه نيز تحقيقات وسيعي انجام داد و چند اثر تأليفي همچون نجوم جديد را از خود به يادگار گذاشت.

تولد لوئي پاستور شيميدان، پزشك و ميكروب شناس فرانسوي در سال 1822 ميلادي لوئي پاستور شيميدان، پزشك و ميكروب شناس فرانسوي در سال 1822 ميلادي در دهكدهاي كوهستاني در فرانسه متولد شد. او اگر چه در دوران تحصيلي پيشرفت زيادي نداشت، عاقبت از دانشگاه سوربن فرانسه دكتري خود را گرفت و در مقام استاد شيمي به تدريس و تحقيق مشغول شد. تحقيقات پاستور درباره ساختمان شيميائي مواد آلي از مراجع مهم گسترش علم شيمي آلي است و درهمين تحقيقات او دريافت كه عمل تخمير ناشي از وجود موجودات ريززنده است و سرانجام مطالعات و تحقيقات مستمر پاستور منتهي به كشف روش پاستوريزاسيون يا ميكروب زدائي شد. پاستور پس از كشف ميكروب در سال 1885 ميلادي نخستين واكسناسيون را عليه بيماري هاري با موفقيت انجام داد.